قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به‌روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
۳)معرفی روش‌های مقاله و پایان‌نامه نویسی و ارائه پکیج‌های آموزشی مربوطه
۴)معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
۵) معرفی آموزشگاه‌ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
۶)ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته‌های تحصیلی
۷)راهنمای آزمون های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
۸)راهنمای آزمون های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
۹)آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری های پربازدید
۱۰)معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه‌های دارای تخفیف دانشجویی
۱۱)معرفی همایش‌ها، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های ویژه دانشجویی
۱۲)ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت‌های معتبر مربوطه
۱۳)معرفی مسائل و قوانین مربوط به سربازی، معافیت تحصیلی و امریه
۱۴)ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
۱۵)معرفی انواع بیمه‌های دانشجویی دارای تخفیف
۱۶)صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
۱۷)صفحه ویژه ارائه شغل های پاره وقت، اخبار استخدامی
۱۸)معرفی خوابگاه‌های دانشجویی معتبر
۱۹)دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن های تخصصی و...
۲۰)ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
۲۱)معرفی مراکزتایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
۲۲)راهنمای خریدآنلاین ارزی و معرفی شرکت های مطرح
۲۳) ....

WWW.GhadamYar.Org WWW.PortaleDanesh.com WWW.GhadamYar.Ir

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱ باما همراه باشید... ۰۹۱۲ ۳۰ ۹۰ ۱۰۸

جزوه حقوق اداری 1 ؛ بنا شده بر تلخیصی از حقوق اداری 1و 2 دکتر موسی زاده

تعريف حقوق

براي تنظيم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق براي هر كس امتيازهايي در برابر ديگران مي‌شناسد و توان خاصي به او مي‌بخشد. اين امتياز و توانايي را حق مي‌ناميم.

و حقوق،مجموعه‌ي قواعدي است كه بر اشخاص از اين جهت كه در اجتماع هستند، حكومت مي‌كند.

تعريف حقوق اداري

به دو شيوه قابل تعريف است:

يكي به لحاظ صوري يعني به لحاظ ارتباط منطقي ميان سازمان‌ها عمومي.

و ديگري به لحاظ ماهوي، يعني به لحاظ قواعد و احكام حاكم بر آن.

تعريف حقوق اداري از نظر صوري (شكلي)

شاخه‌اي از حقوق داخلي به شمار مي‌رود و موضوع آن مطالعه‌ي اداره و وظايف و فعاليت‌هاي مجموعه‌ي دستگاه‌ها، سازمان‌ها و ادارات دولتي، مقامات و ماموراني است كه زير نظر هيات حاكمه و مقامات سياسي، به حفظ نظم عمومي و تامين نيازها و خدمات عمومي در جامعه مي‌پردازند.

تعريف حقوق اداري از نظر ماهوي

حقوق اداري از نظر ماهوي، قواعد و مقررات حاكم بر دستگاه اداره‌ي دولتي است كه وظايف و تكاليف سازمان‌هاي اداري دولت به خصوص سازمان‌هاي اجرايي و روابط آنها را با مردم تعيين مي‌كند.

بنابرين حقوق اداري برخلاف حقوق خصوصي كه روابط افراد را با يكديگر تنظيم مي‌كند، به تنظيم روابط افراد و دولت مربوط مي‌شود.

به طور كلي مي‌توان اين تعريف را به عنوان يک تعريف ساده و روان، براي حقوق اداري عرضه نمود:

شاخه‌اي از حقوق عمومي داخلي با مجموعه‌اي از قواعد ممتاز و پراكنده كه حقوق و تكاليف سازمان‌هاي اداري دولت، خصوصا سازمان‌هاي اجرايي آن و روابط آنها با مردم را تعيين مي‌كند.

مشخصات حقوق اداري

· رشته‌اي از شاخه‌هاي حقوق عمومي داخلي است.

· رشته‌اي جوان و نوپاست.

· قواعد آن ممتاز از ساير رشته‌هاست.

· قانون مدوّن ندارد. (حقوق اداري در كشور ما، همانند بسياري از كشورهاي ديگر، به صورت قوانين، فرمان‌هاي تقنيني، مقررات و مصوبه‌هاي شوراي وزيران، آيين‌نامه‌ها و ابلاغيه‌ها و نيز بعضا به صورت عرف و رويه‌ي اداري است)

· منظور از سازمان‌هاي اداري، سازمان‌هاي قواي سه‌گانه است اما سازمان‌هاي قوه‌ي مجريه، بيش از همه مشمول مقررات آن است.

· حقوق اداري بر امتيازات حقوق عمومي (از جمله: حق دادن دستورهاي لازم و يا گرفتن قسمتي از اموال مردم از طريق ماليات/عوارض/مصادره و ...) استوار گرديده است.

· قواعد آن ناظر به بخشي از فعاليت‌هاي سازمان‌هاي اداري (اعمال اداري) است.

· فعاليت سازمان‌هاي اداري، به منظور انجام خدمت عمومي و حفظ نظم عمومي انجام مي‌گيرد.

مفهوم اداره

مفهوم كاربردي اداره

اداره به مفهوم كاربردي آن عبارت از انجام فعاليت و خدماتي است كه به وسيله‌ي سازمان‌هاي عمومي يا زير نظر آنها انجام مي‌شود.

به عنوان مثال، مدرسه از لحاظ كاربردي به دنبال تعليم و تربيت دانش‌آموزان است.

مفهوم سازماني اداره

اداره به مفهوم سازماني به مجموعه امكانات و اشخاصي اطلاق مي‌شود كه اهداف اداره را تحقق مي‌بخشد.

به عنوان مثال مدرسه شامل ساختمان ، بودجه و آموزگاران است.

هدف از فعاليت هاي اداري

- حفظ نظم عمومي
- انجام خدمات عمومي

اعمال اداري سازمان

عمل اداري، عمل مأمور دولت در سمت اداري خود است. اين عمل به صورت افعال و جوارح نيست؛ بلكه تصميمات اداري و دستورات رؤساي ادارات عمل اداري است.

اعمال حقوقي دولت را مي‌توان از چند جنبه طبقه‌بندي كرد.

براي مثال مي‌توان اعمال حقوقي دولت را از نظر هدف و غايت به اعمال سياسي و اداري، از نظر محتوا و ماهيت به اعمال قانون‌گذاري و قضايي و اجرايي، از نظر موضوع به اعمال حاكميت و تصدي و از لحاظ صوري به اعمال يك جانبه و دو جانبه تقسيم كرد.

به طور كلي حقوق اداري، ناظر بر فعاليت‌هاي سازمان‌هاي اداري دولتي است و آن عبارت است از اعمال اداري و اجراي موضوع آن و به كار بستن تصميمات و دستورالعمل‌هاي مقامات عاليه‌ي كشور (قوه‌ي مقننه، قوه‌ي مجريه و قوه‌ي قضاييه) .

ولي اعمال سياسي، قضايي، اعمال قانون‌گذاري، مشمول قواعد حقوق اداري نمي‌گردد، هرچند تعيين مرز ميان اعمال اداري و اعمال سياسي و قضايي كاري دشوار است.

فرق اعمال اداري و تقنيني

1 . عمل تقنيني ناشي از سازمان سياسي (قوه مقننه) است اما عمل اداري ناشي از سازمان اداري و اجرايي است.

2 . يک سازمان سياسي سياست‌هاي کلي نظام را که ماهيت عمومي دارد، طرح مي‌کند اما سازمان اداري مطيع و مجري سازمان سياسي است.

3 . عمل قانون‌گذاري مشمول نظارت دستگاهاي اداري و اجرايي نمي‌باشد اما اعمال اداري مشمول نظارت دستگاه قانون‌گذاري است.

4 . عمل قانون‌گذاري ناشي از سازمان اداري نيست اما عمل اداري ناشي از قانون است .

5 . قوه مقننه در تصويب قانون صلاحيت عام دارد اما اعمال اداري مي بايست مطابق قانون باشد.

6 . عمل قانون‌گذاري قابل ابطال نيست اما اعمال اداري قابل ابطال در دادگاه اداري هستند.

فرق عمل اداري و قضايي

1 . عمل قضايي، عمل ترافعي است اما عمل اداري مقدمه ترافع و اختلاف ندارد.

2 . عمل قضايي، کاشف حق و تکليف است اما عمل اداري متضمن اجراي حق است.

3 . عمل قضايي، مشمول نظارت دستگاه اداري نيست اما عمل اداري مشمول نظارت دستگاه قضايي است.

4 . اجراي احکام قضايي توسط سازمان اداري به طور مستقل انجام مي‌گيرد اما عمل اداري مي بايست مطابق عمل قضايي باشد.

5 . اعمال قضايي نياز به آيين دادرسي خاص دارد اما اعمال اداري اصولا نياز به آيين خاص ندارد مگر قانون تصريح نمايد.

فرق عمل اداري و سياسي

1. عمل سياسي داراي ماهيت عمومي است و ناظر موارد عام و کلي است اما عمل اداري داراي ماهيت اختصاصي و شخصي است.

2. عمل سياسي متکي به خودش مي‌باشد اما عمل اداري دنباله‌ي عمل سياسي است.

3. عمل سياسي، مسئوليت سياسي دارد اما عمل اداري، مسئوليت اداري (و همچنين مدني و کيفري) دارد.

پايه هاي حقوق اداري

انديشورزان حقوق در پاسخ به اين پرسش كه دانش حقوق اداري بر چه عملي از اعمال دولت تسري مي‌يابد و قواعد الزام‌آور خود را بر آن عمل بار مي‌كند، نظريات مختلفي ارائه نموده‌اند.

به طور كلي 4 نظريه در اين باره ابراز شده است:

1. خدمات عمومي
2. منافع عمومي
3. قدرت عمومي
4. تعدد مباني

أ. نظريه‌ي خدمات عمومي

1. مفهوم خدمات عمومي

خدمات عمومي منحصر به نيازمندي‌هاي عام‌المنفعه‌اي است كه دولت‌مردان يک كشور در برهه‌اي از زمان تصميم مي‌گيرند تا آن نيازمندي‌ها را از طريق سازمان‌هاي عمومي يا دولتي برآورده كنند.

براي تشخيص تنها بايد قصد و نيت دولت‌مردان در نظر گرفته شود.

2. عناصر تعريف

خدمات عمومي صرفا مربوط به برآورده نمودن نيازهاي عام‌المنفعه است

ايجاد خدمات بايد به تصويب قانون‌گذار برسد و از طريق سازمان‌هاي دولتي ارائه گردد

انواع خدمات عمومي

1. خدمات عمومي اداري

به خدماتي اطلاق مي‌شود كه بدون قصد انتفاع و به منظور بر آوردن نيازهاي همگاني توسط سازمان‌هاي دولتي به انجام مي‌رسد.

اين نوع خدمات تابع حقوق اداري است؛ همانند خدمات بهداشتي، آموزشي ....

2. خدمات عمومي صنعتي و تجاري

معيار اصلي تشخيص اين نوع خدمات عموماً، ظاهر آن خدمات، يعني موضوع فعاليت و نوع فعاليت، است.

به عبارت ديگر از لحاظ موضوع، داراي خصيصه‌ي صنعتي و تجاري (توليد و مبادله كالا) و از لحاظ نوع، همانند شركت‌هاي خصوصي باشد؛ همانند شركت‌هاي دولتي، مثل شركت مخابرات

3. خدمات عمومي حرفه اي و اجتماعي

خدمات عمومي حرفه‌اي به خدمات اتحاديه‌هاي صنفي مانند نظام پزشكي، مهندسي، وكلاء مربوط مي‌شود كه فعاليت آنها عمومي محسوب مي‌گردد اما خدمات عمومي اجتماعي به خدمات نهادهايي همچون انجمن خيريه گفته مي‌شود.

اين نوع خدمات، داراي حقوق مختلط مي‌باشد. يعني دولت برخي امتيازات حقوق عمومي را به آنها اعطا نموده است؛ به عنوان نمونه معافيت مالياتي يا گمركي

اصول حاكم بر خدمات عمومي

- استمرار خدمات عمومي
- تساوي خدمات عمومي

- انطباق خدمات عمومي
- تقدم خدمات عمومي

نقد نظريه خدمات عمومي

1. اين نظريه توجيه كنندهٔي كليهٔي فعاليت‌هاي اجرايي نيست؛ مثلا اخذ ماليات.

2. اعمال قضايي را شامل نمي‌شود.

3. عمل قانون‌گذاري را شامل نمي‌شود.

4. با گذشت زمان، مفهوم مادي خدمات عمومي تغيير كرده است؛ مثلا در گذشته ورزش و هنر، جزء خدمات عمومي نبوده است؛ حال آن‌كه در حال حاضر از مصاديق بارز خدمات عمومي شمرده مي‌شوند.

5. مفهوم سازماني اداره با سازمان‌هاي خصوصي تداخل يافته است؛ مثل مدارس خصوصي.

ب. نظريهٔي منافع عمومي

بر اساس نظريه پروفسور والين، برخي از اعمال اداري، هدف خدمات عمومي را دنبال مي‌كند اما برخي صرفا منافع عمومي را در نظر دارد؛ مثلا بازسازي آثار باستاني جهت منافع عمومي است در حالي‌كه ارائهٔي خدمات بهداشتي خدمت عمومي محسوب مي‌گردد.

تفاوت منافع عمومي با خدمات عمومي

اصولا خدمت عمومي بر چهار اصل استمرار، انطباق، تساوي و تقدم استوار است در حالي‌كه منافع عمومي اين‌چنين نيست.

به عبارت ديگر فعاليت خدمات عمومي هيچ‌گاه نبايد متوقف شود يا مطابق نياز روز نباشد اما ترميم آثار باستاني مي‌تواند به طور موقت متوقف شود.

انتقاد

به دليل گستردگي مفهوم كليه اعمال اداري، قضايي و تقنيني را در بر مي‌گيرد.

مي‌تواند مورد سوء استفاده دولت قرار گيرد.

ج. نظريه‌ي قدرت عمومي

از ديدگاه سياسي اين نظريه به دوران استبداد بر مي‌گردد و طبق آن اراده دولت بر هر امر ديگري برتري دارد و داراي مفهوم وسيعي مي‌باشد لذا شامل كليه اعمال اداري، قضايي و تقنيني مي‌شود.

در اين نظريه فرقي ميان اعمال تصدي و اعمال حاكميتي نشده است.

د. نظريه‌ي تعدد مباني

با توجه به انتقادات نظريات قبلي عده‌اي از حقوق‌دانان بر اين باورند كه حقوق اداري را نمي‌توان بر يک مبنا قرار داد؛ لذا هر يک از اعمال اداري بايد بر اساس نظريه خاص خودش مورد بررسي قرار گيرد.

پليس اداري

در اصطلاح حقوقي، پليس اداري بيان‌گر فعاليتي است كه دولت به منظور حفظ نظم عمومي انجام مي‌دهد در حالي‌كه در عرف پليس اداري ماموريني هستند كه به جامعه نظم مي‌بخشند.

مقامات آن عبارتست از: دولت، مقامات محلي تابع وزارت كشور (استاندار، فرماندار، بخشدار و دهدار) و مقامات محلي مستقل (شهرداري‌ها، شوراي استان، شوراي شهرستان، شوراي ده) .

پليس اداري عمومي

پليس اداري عمومي، در بر دارنده‌ي مفاهيم امنيت، آسايش و بهداشت عمومي است و به كليه‌ي اعمالي كه دولت در اين راستا انجام مي‌دهد، پليس اداري عمومي اطلاق مي‌شود.

اهداف

- آسايش عمومي
- بهداشت عمومي
- امنيت عمومي

پليس اداري اختصاصي

عنوان پليس اداري اختصاصي داراي 2 مفهوم سنتي و جديد است.

مفهوم سنتي آن، حکايت از وظايف و فعاليت‌هايي است که به لحاظ اهداف با پليس عمومي اشتراک دارد اما از يک نظام حقوقي اختصاصي پيروي مي‌کند؛ همانند پليس راهنمايي و رانندگي.

و مفهوم جديد آن، متضمن فعاليت‌هايي است که نياز به آنها در دهه‌ي اخير احساس شده است. مانند پليس ساختمان يا حفظ آثار باستاني.

فرق پليس اداري با قضايي

فعاليت اداري جنبه پيشگيرانه دارد اما قضايي جنبه تعقيبي دارد.

پليس اداري به عهده مقامات اداري است اما در قضايي بر عهده دادستان است.

سازمان هاي اداري

سازمان‌هاي اداري، از مصاديق بارز اشخاص حقوقي هستند. در اين بخش پيش از بررسي موارد ديگر، به مطالعه‌ي انواع اشخاص حقوقي و مشخصات آنها و نوع روابط آنها و نحوه نظارت بر آنها مي‌پردازيم.

شخصيت

شخصيت حقوقي

شخصيت حقوقي عبارت است از: توانايي دارا شدن حقوق و تکاليف (اهليت تمتع) و توانايي اجراي آن (اهليت استيفاء) .

در دانش حقوق، اشخاص به 2 گروه تقسيم مي‌شوند: شخص حقيقي، شخص حقوقي.

شخص حقيقي، همان انسان‌ها هستند که با ولوج روح در بدن جنين آغاز و با مرگ به پايان مي‌رسد.

شخص حقوقي به اجتماع منافع و هدف‌هايي گفته مي‌شود که قدرت عمومي آن را به عنوان واحدي مستقل از عناصر تشکيل دهنده‌اش مورد شناسايي و حمايت قرار مي‌دهد؛ البته اين اشخاص، از برخي حقوق اشخاص طبيعي همانند: ابوت، ولايت، ازدواج و ... محرومند.

به طور کلي شخص حقوقي در مقابل شخص طبيعي يا حقيقي قرار دارد.

انواع اشخاص حقوقي

اشخاص حقوقي، به 2 گروه تقسيم مي‌شوند:

أ. اشخاص حقوقي حقوق خصوصي

ب. اشخاص حقوقي حقوق عمومي

أ. اشخاص حقوقي حقوق خصوصي

أ.1. مشخصات اشخاص حقوقي خصوصي

اشخاص حقوق خصوصي را از 4 طريق مي‌توان شناخت.

1. منشاء پيدايش

موسسين اشخاص حقوق خصوصي، اشخاص حقيقي هستند.

2. عامل اراده

انگيزه‌ي فردي و اراده‌ي آزاد افراد، عامل اصلي تشكيل اشخاص حقوق خصوصي است.

3. مقررات حاكم

اشخاص حقوق خصوصي، تابع مقررات حقوق خصوصي هستند و غالبا مقررات قانون تجارت و قانون مدني بر آنان حاكم است.

4. هدف

اشخاص حقوق خصوصي، اهداف انتفاعي دارند و به دنبال كسب منافع مادي هستند.

أ.2. انواع اشخاص حقوقي خصوصي

1. شركت‌هاي تجاري
2. موسسات غير تجاري؛ شامل انجمن‌ها و اتحاديه‌هاي صنفي

ب. اشخاص حقوقي حقوق عمومي

ب.1. مشخصات اشخاص حقوقي عمومي

اشخاص حقوق عمومي را از 4 طريق مي‌توان شناخت.

1. منشاء پيدايش

موسسين اشخاص حقوق عمومي، نهادها و مقامات عالي دولت هستند.

2. عامل اراده

عضويت افراد در اشخاص حقوق عمومي، الزامي است.

3. مقررات حاكم

اشخاص حقوق عمومي، تابع قواعد حقوق عمومي هستند.

4. هدف

اشخاص حقوق عمومي، به منظور انجام خدمات عمومي و فعاليت‌هاي غيرانتفاعي و عام‌المنفعه تشكيل مي‌شوند.

ب.2. انواع اشخاص حقوقي حقوق عمومي

1. سازمان مركزي
2. شوراهاي محلي
3. سازمان‌هاي فني و تخصصي
4. نهادها و موسسات غير دولتي
5. اشخاص حقوقي با وضعيت خاص

روابط بين اشخاص حقوقي حقوق عمومي

1. تمركز اداري
2. عدم تمركز اداري

مفهوم تمركز اداري و عدم تمركز اداري، ارتباط مستقيمي با ساختار دروني كشور و تقسيم قدرت در نهادهاي كشور دارد؛ لذا براي فهم بهتر موضوع، برخي از مباحث مطرح شده در حقوق اساسي را مورد بازخواني قرار مي‌دهيم:

ساختار دولت

أشكال دولت ها

- دولت هاي بسيط (تک ساخت)
- دولت هاي مركب

دولت بسيط (تک ساخت)

دولت بسيط يا يک پارچه، دولتي است با مركزيت سياسي واحد،مبتني بر وحدت عناصر، تشكيلات، جمعيت و سرزمين واحد با شخصيت حقوقي واحد و قانون اساسي واحد اداره مي شود.
در اين گونه كشورها، واحد هاي حكومتي استان، شهرستان و ... فاقد حاكميت اند و به عنوان واسطه ميان شهروندان و حكومت ملي هستند.

كشور هايي همچون ايران، انگلستان، فرانسه، ايتاليا و سوئد و ... داراي ساختار بسيط هستند.

أقسام دولت بسيط

دولت بسيط ممكن است به صورت متمركز يا غير متمركز اداره اداره شود.

تمركز سياسي به طور ذاتي در ويژگي دولت هاي بسيط نهفته است و از طرفي ديگر تمركز اداري انجام امور اقتصادي و اجتماعي مردم از طريق كارگزاران حكومت مركزي نيز منعي وجود ندارد ولي از آن جايي كه اداره امور جامعه مدرن

وظيفه اي گسترده و خارج از توان حكومت مركزي است،اغلب كشورها با ساختار بسيط مي‌كوشند تا تصدي‌گري دولت را كاهش داده و واحدهاي حكومتي را فعال‌تر كنند. لذا برخي دولت‌هاي بسيط، به منظور برآوردن نيازهاي محلي و رعايت مقتضيات اجتماعي و سياسي منطقه‌اي، به برخي از مناطق خود نوعي استقلال مي‌بخشند كه ممكن است به صورت وحدت انضمامي يا منطقه گرايي باشد.

دولت مركب (چند ساخت)

مشتمل بر حاكميت هاي پراكنده كه در آن چند دولت با قوانين اساسي متعدد بنا به مصالح و مقتضيات با ايجاد رابطه حقوقي مشخص، مبادرت به تشكيل دولت با قانون اساسي خاص نموده و پاره‌اي از مراتب حاكميت را به آن مي سپارند.

أقسام دولت هاي مركب

ü دولت‌هاي متصل

ü دولت‌هاي متحد

ü دولت‌هاي متفق

مفهوم تمركز

تمركز اداري، ترتيبي است كه در آن قدرت مركزي، سلطه اداري خود را با انضباط شديد بر تمام واحدهاي اداري و اجرايي كشور اعمال مي‌كند.

مشخصات تمركز

Øتمركز قدرت سياسي

Øتمركز قدرت اجرايي

محاسن تمركز

از نظر سياسي :

موجب انسجام و وحدت مي‌گردد

از نظر اقتصادي :

موجب عدالت اقتصادي مي‌گردد

معايب تمركز

- عدم مشاركت عمومي در تصميم‌گيري كشور
- عدم كارايي مقامات مركزي
- افزايش ديوان‌سالاري و تشريفات اداري

مهم: توجه به اين نكته ضروري‌ست كه در برخي از كشورها محاسن سيستم تمركز و يا عدم تمركز، ممكن است معايب همين سيستم در كشوري ديگر تلقي گردد و يا بالعكس؛ آنچه سبب اين اختلاف است، عواملي چون نحوه‌ي اجراي سيستم‌ها، رشد يا عدم رشد سياسي مردم آن سرزمين، وضعيت فرهنگي و معيشتي مردم و ... است.

مفهوم عدم تمركز

شيوه حكومتي خاصي است كه در آن مقامات مركزي صلاحيت تصميم‌گيري نسبتا وسيعي را به واحدهاي محلي و اجرايي تفويض مي‌كنند تا به امورات خاص محلي و اجرايي يا فني بپردازند.

انواع عدم تمركز

* جغرافيايي
* سياسي
* اداري
* سازماني

محاسن عدم تمركز

از نظر سياسي : رشد فرهنگي

از نظر معنوي : اعتماد به نفس

از نظر فني : آگاهي كامل‌تر

معايب عدم تمركز

cاز نظر سياسي باعث ادعاي جدايي طلبي مي‌گردد.

cاز نظر اقتصادي باعث نابرابري مي‌گردد.

نظارت بر اشخاص حقوق عمومي

در هر سيستم سياسي، از سوي دولت مركزي نظارت‌هاي مختلفي بر اشخاص حقوق عمومي بار مي‌شود؛ اين نظارت‌ها به شكل‌هاي زير بروز پيدا مي‌كنند:

Øسلسله مراتبي

Øقيمومتي

نظارت سلسله مراتبي

به نظارتي اطلاق مي‌شود كه سازمان مركزي به نهادها و واحدهاي وابسته به خود اعمال مي‌كند اين نظارت مبتني بر نظام تبعيت است كه بر اساس آن كاركنان مرئوس مكلف به اطاعت از دستورات و اوامر مقام مافوق مي‌گردد و در اين نوع نظارت به صورت طولي است و بر همه اعمال اداري (حقوقي و اجرايي) و اشخاص اداري قابل اعمال است.

نظارت سلسله مراتبي بر اعمال اداري

نظارت سلسله مراتبي بر كاركنان اداري

1. حق عزل و نصب كاركنان
2. حق صدور دستورات اداري و تعيين وظايف
3. إعمال مجازات اداري

نظارت قيموميتي

به نظارتي اطلاق مي‌شود كه مقامات مركزي نسبت به واحدهاي غير متمركز (جغرافيايي يا فني) اعمال مي‌كنند اين نظارت مبتني بر نظام هماهنگي يا همكاري است و كاركنان يک واحد غير متمركز مستقيما از دستورات مقامات سازمان مركزي تبعيت نمي‌كنند و رابطه عرضي يا افقي در اين خصوص وجود دارد در اين نظام اصل بر آزادي عمل واحد غير متمركز قرار دارد و نظارت تنها بر اعمال حقوقي مي‌باشد

نحوه‌ي نظارت قيموميتي نسبت به اعمال اداري

1. موافقت قبلي
2. اصلاح
3. تعليق
4. ابطال
5. جانشيني
6. انحلال

نظارت قيموميتي نسبت به كاركنان

- واحدهاي غير متمركز جغرافيايي
- انتخابي
- بودجه مستقل

- واحدهاي غير متمركز فني
- انتصابي
- بودجه وابسته

طبقه بندي سازمان‌ها

سازمان‌ها به اعتبارهاي مختلف مورد تقسيم قرار مي‌گيرند؛ برخي از اين معيارها بدين قرارند:

از لحاظ منطقه جغرافيايي، به لحاظ ماهيت اجرايي و عملياتي، به لحاظ وضعيت حقوقي و به لحاظ تمركز يا عدم تمركز اداري

1. از لحاظ منطقه جغرافيايي

1.1. سازمان‌هاي محلي

اين سازمان‌ها، محدوده‌ي جغرافيايي كوچكي را تحت پوشش دارند و به امور خاص محلي مي‌پردازند. مانند: شهرداري‌ها

1.2. سازمان‌هاي منطقه‌اي

گروهي از سازمان‌هاي دولتي در سطح منطقه فعاليت مي‌كنند و هدف آنها رفع نيازهاي يک منطقه جغرافيايي مشخص است. مانند: سازمان آب منطقه‌اي

1.3. سازمان‌هاي ملي

اين گروه از سازمان‌ها در سطح كشور فعاليت مي‌كنند و از تشكيلات سازماني پيچيده‌تري برخوردارند. مانند وزارتخانه‌ها

2. به لحاظ ماهيت اجرايي و عملياتي

2.1. سازمان‌هاي صف

این دسته از سازمان‌ها، مجري اهداف و سیاست‌هاي اساسي در زمینه‌هاي اقتصادي، اجتماعي، سیاسي و عمراني هستند. مانند وزارتخانه‌ها

2.2. سازمان‌هاي ستادي

فعالیت این گروه از سازمان‌ها، کمک و تسهیل امور سازمان‌هاي صف است.

3. به لحاظ وضعیت حقوقي

3.1. سازمان‌هاي مشمول تبصره 2 ماده 8 قانون استخدام کشوري

در این تبصره چنین مقرر شده است:

تبصره 2 - دولت مکلف است ظرف یك سال از تاریخ تصویب این قانون لایحه سازمان اساسي وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتي مشمول این قانون را تهیه و به مجلسین تقدیم کند.

سازمان‌هاي عهده‌دار اعمال حاکمیت دولت [1] شامل کلیه‌ي وزارتخانه‌ها و بسیاري از سازمان‌هاي وابسته‌ي آنها، در این گروه جاي مي‌گیرند.

3.2. سازمان‌هاي مشمول تبصره ماده 112 قانون استخدام کشوري (سازمان‌هاي غیر مشمول)

سازمان‌هاي عهده‌دار اعمال تصدي دولت [2] در این گروه جاي دارند. این گروه از سازمان‌ها، ضمن تبعیت از مقررات عمومي استخدامي، در میزان مزایاي شغلي تفاوت‌هایي با سازمان‌هاي مشمول تبصره 2 ماده 8 ق.ا.ک دارند.

تبصره ماده 112- وزارتخانه‌ها و شهرداري‌ها و کلیه مؤسسات دولتي اعم از آن که مشمول مقررات این قانون باشند یا نباشند مکلفند نسبت به کلیه لوایح استخدامي و هر نوع وضع و اصلاح و تغییر مقررات استخدامي قبلاً موافقت سازمان امور اداري و استخدامي کشور را جلب نمایند.

3.3. سازمان‌هاي مشمول مقررات خاص

برخي از سازمان‌ها از مقررات عمومي استخدامي تبعیت نمي‌کنند و تابع مقررات خاصي هستند. مانند شرکت ملي نفت ایران

4. به لحاظ تمرکز یا عدم تمرکز اداري

4.1. سازمان‌هاي متمرکز

اين گروه از سازمان‌ها، شخصيت حقوقي مستقلي از دولت ندارند و شالوده‌ي اصلي قدرت مركزي را تشكيل مي‌دهند. مانند وزارت‌خانه‌ها

4.2. سازمان‌هاي غير متمركز

اين گروه از سازمان‌ها، با داشتن شخصيت حقوقي مستقل از دولت، وظايف خاصي را دنبال مي‌كنند.

اين سازمان‌ها 2 گونه‌اند:

سازمان‌هاي غير متمركز جغرافيايي

سازمان‌هاي غير متمركز فني يا اداري

سازمان‌هاي متمركز قدرت مركزي (بر اساس قانون تقسيمات كشوري)

نكته مهم: در اين جزوه، به تبعيت از كتاب حقوق اداري 1و 2 ؛ تأليف دكتر رضا موسي‌زاده، از سازمان‌هاي اصلي قوه مركزي همچون نهاد رهبري، قواي سه گانه و ... سخني به ميان نيامده است؛ تفصيل بررسي اين سازمان‌هاي در حقوق اساسي صورت پذيرفته است و دانشجويان علاقه‌مند در كتاب‌هاي ح.ا به مطالعه اين سازمان‌ها بپردازند. در اين قسمت، سازمان‌هايي مورد بررسي قرار مي‌گيرند كه ارتباط وثيقي با بحث حاضر دارند.

طبق ماده 1 قانون تقسيمات كشوري، عناصر تقسيمات كشوري عبارتند از: روستا، دهستان، شهر، بخش، شهرستان و استان.

ماده 12 قانون تعاريف و ضوابط تقسيمات كشوري اشعار مي‌دارد:

از لحاظ نظام اداري دهستان تابع بخش و بخش تابع شهرستان و شهرستان تابع استان و استان تابع تشكيلات مركزي خواهد بود.

1. سازمان استان
2. سازمان شهرستان
3. سازمان بخش
4. سازمان روستا

1. سازمان اداري استان

أ. مشخصات كلي

ماده 9 قانون تعاريف و ضوابط تقسيمات كشوري - استان، واحدي از تقسيمات كشوري است با محدوده جغرافيايي معين، كه از به هم پيوستن چند شهرستان همجوار با توجه به موقعيت‌هاي‌سياسي، اجتماعي، فرهنگي، اقتصادي و طبيعي تشكيل مي‌شود.

تبصره 1 - وزارت كشور بنا به ضرورت مي‌تواند با تصويب هيأت وزيران با انتزاع و الحاق روستاها، بخش‌ها يا شهرستان‌هاي مجاور، استانها را تعديل نمايد. مگر آنكه به تصويب مجلس شوراي اسلامي ايجاد استان جديد ضروري شناخته شود. استان جديد بايد حداقل يك ميليون نفر جمعيت داشته باشد.

تبصره 2 - مركز استان يكي از شهرهاي همان استان است كه مناسب‌ترين كانون سياسي، اقتصادي، فرهنگي، طبيعي و اجتماعي آن استان شناخته مي‌شود.

ب. استاندار

در استان نماينده عالي دولت محسوب مي‌گردد و مسئول اجراي سياست عمومي دولت در استان است و داراي نظارت عاليه در كليه امور اجرايي است و به وسيله وزير كشور به هيات دولت معرفي و پس از تاييد با حكم رييس جمهور منصوب مي‌شود و قابل عزل نيز است.

ج. وظايف سياسي استاندار

نمايندهٔي عالي دولت در استان

نظارت بر كليه ماموران دولتي

بازرسي ادرات دولتي

كنترل اتباع بيگانه

برگزاري انتخابات

انجام كليهٔي امور تشريفاتي

د. وظايف اداري استاندار

حفظ نظم عمومي و تامين رفاه مردم

رياست بر فرمانداري‌هاي استان

بازرسي حوزه ماموريت

تهيه و ارائه گزارش به مركز

وظايف قضايي استاندار

ارائه‌ي گزارش به دادگستري

ه. وظايف عمراني استاندار

مراقبت دقيق در اجراي برنامه هاي عمراني و نوسازي و بهسازي شهر و روستا از طريق سازمان‌هاي ذي‌صلاح كه در صورت اختلاف استاندار با وزارت يا سازمان‌ها رييس جمهور تصميم لازم را اتخاذ مي‌نمايد.

2. سازمان اداري شهرستان

أ. مشخصات كلي

ماده 7 قانون تعاريف و ضوابط تقسيمات كشوري - شهرستان واحدي از تقسيمات كشوري است با محدوده جغرافيايي معين كه از به هم پيوستن چند بخش همجوار كه از نظر عوامل طبيعي، اجتماعي، اقتصادي، سياسي و فرهنگي واحد متناسب و همگني را به وجود آورده‌اند.

تبصره 1 - حداقل جمعيت شهرستان با در نظر گرفتن وضع پراكندگي و اقليمي كشور به دو درجه تراكمي به شرح زير تقسيم مي‌شود.

الف - تراكم زياد 120000 نفر. ب - تراكم متوسط 80000 نفر.

تبصره 2 - در نقاط كم تراكم، دورافتاده، مرزي، جزائري و كويري با توجه به كليه شرايط اقليمي، سياسي، اقتصادي و اجتماعي تا حداقل 50 هزار نفر با تصويب هيأت وزيران و در موارد استثنايي با تصويب مجلس شوراي اسلامي مي‌تواند كمتر از 50 هزار نفر باشد.

تبصره 3 - مركز شهرستان يكي از شهرهاي همان شهرستان است كه مناسب‌ترين كانون طبيعي، فرهنگي، اقتصادي، سياسي و اجتماعي آن محدوده شناخته مي‌شود.

ب. فرماندار

ب.1. وظايف سياسي

- نمايندگي سياسي دولت در شهرستان
- حفظ نظم عمومي

ب.2. وظايف اداري

- ابلاغ و نظارت بر قوانين
- نظارت و سركشي به حوزه ماموريت
- وضع آيين‌نامه انتظامي

3. سازمان اداري بخش

أ. مشخصات كلي

ماده 6 قانون تعاريف و ضوابط تقسيمات كشوري - بخش واحدي است از تقسيمات كشوري كه داراي محدوده جغرافيايي معين بوده و از به هم پيوست چند دهستان همجوار مشتمل بر چندين مزرعه، مكان، روستا و احياناً شهر كه در آن عوامل طبيعي و اوضاع اجتماعي، فرهنگي، اقتصادي و سياسي واحد همگني را به وجود مي‌آورد به نحوي كه با در نظر گرفتن تناسب، وسعت، جمعيت، ارتباطات و دسترسي و ساير موقعيتها، نيل به اهداف و برنامه‌ريزي‌هاي دولت در جهت احياء امكانات طبيعي و استعدادهاي اجتماعي و توسعه امور رفاهي و اقتصادي آن تسهيل گردد.

تبصره 1 - حداقل جمعيت محدوده هر بخش بدون احتساب نقاط جمعيت شهري با در نظر گرفتن وضع پراكندگي و اقليمي كشور به دو درجه تراكمي به شرح زير تقسيم شده است.

الف - مناطق با تراكم زياد سي هزار نفر. ب - مناطق با تراكم متوسط 20 هزار نفر.

تبصره 2 - در نقاط كم تراكم، دور افتاده، مرزي جزايري و جنگلي و كويري با توجه به كليه شرايط اقليمي، سياسي، اقتصادي و اجتماعي تا حداقل دوازده هزار نفر جمعيت با تصويب هيأت وزراء و در موارد استثنايي با تصويب مجلس، جمعيت بخش مي‌تواند كمتر از ميزان تعيين شده در تبصره 1 باشد.

تبصره 3 - مركز بخش، روستا يا شهري، از همان بخش است كه مناسب‌ترين كانون طبيعي، فرهنگي، اقتصادي و سياسي آن محدوده شناخته مي‌شود.

ب. بخش‌دار

داراي كليه وظايف و اختيارات فرمانداران هستند و نظارت بر دهياران نيز از جمله وظايف آنهاست.

4. سازمان اداري دهستان و روستا

أ. مشخصات كلي

ماده 3 قانون تعاريف و ضوابط تقسيمات كشوري - دهستان كوچكترين واحد تقسيمات كشوري است كه داراي محدوده جغرافيايي معين بوده و از به هم پيوستن چند روستا، مكان، مزرعه‌همجوار تشكيل مي‌شود كه از لحاظ محيط طبيعي، فرهنگي، اقتصادي و اجتماعي همگن بوده و امكان خدمات‌رساني و برنامه‌ريزي در سيستم و شبكه واحدي را فراهم مي‌نمايد.

تبصره 1 - حداقل جمعيت دهستان با در نظر گرفتن وضع پراكندگي و اقليمي كشور به سه درجه تراكمي به شرح زير تقسيم مي‌شود.

الف - تراكم زياد 8000 نفر. ب - تراكم متوسط 6000 نفر. ج تراكم كم 4000 نفر.

تبصره 2 - دهستانهاي موجود كه از نظر وسعت، جمعيت و دسترسي داراي تراكم مطلوب بوده در قالب موجود باقي و آن تعداد از دهستانهايي كه‌از اين لحاظ نامتناسب مي‌باشند از طريق تقسيم و يا ادغام تعديل و به دهستانهاي جديد تبديل خواهند شد.

تبصره 3 - مركز دهستان منحصراً روستايي از همان دهستان است كه مناسبترين مركز خدمات روستايي آن محدوده شناخته مي‌شود.

ب. دهدار

هر دهستان به وسيلهي دهدار اداره ميشود.

سازمانهاي غير متمركز جغرافيايي

سازمانهاي غير متمركز جغرافيايي

تشكيلات شوراهاي اسلامي كشوري

ماده 1 قانون تشكيلات، وظايف و انتخاب شوراهاي اسلامي كشور و انتخاب شهرداران
مصوب 1/3/1375

براي پيشبرد سريع برنامههاي اجتماعي، اقتصادي، عمراني، بهداشتي، فرهنگي، آموزشي و ساير امور رفاهي از طريق همكاري مردم ون ظارت بر اداره امور هر روستا، بخش، محل، شهر، شهرستان و استان، شورايي به نام شوراي اسلامي ده، بخش، محل (محله - منطقه) شهر، شهرستان، استان و شوراي عالي استانها بر اساس مقررات اين قانون تشكيل ميگردد.

سطوح شوراها

ماده 2 قانون اصلاحي شوراها - مصوب 5/5/1382

مقصود از شورا در اين قانون و ساير قوانين معتبر درخصوص شوراهاياسلامي كشوري شوراهاي روستا، بخش، شهر، شهرستان، استان و عالي استانها ميباشد.

مدت فعاليت شوراها

ماده 3 قانون تشكيلات، وظايف و انتخاب شوراهاي اسلامي كشور و انتخاب شهرداران
مصوب 1/3/1375

دوره فعاليت هر شورا از تاريخ تشكيل، چهار سال خواهد بود و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

نحوهي انتخاب اعضاي شورا

ماده 17 قانون تشكيلات، وظايف و انتخاب شوراهاي اسلامي كشور و انتخاب شهرداران

انتخاب اعضاي شوراي روستا و شهر و شهرك به صورت مستقيم، عمومي، با رأي مخفي و اكثريت نسبي آرا خواهد بود.

تعداد اعضاي شوراهاي اسلامي

تعداد اعضاي شوراي اسلامي روستا

ماده 4 قانون تشكيلات، وظايف و انتخاب شوراهاي اسلامي كشور و انتخاب شهرداران

تعداد اعضاي شوراي اسلامي روستاهاي تا 1500 نفر جمعيت سه نفر و روستاهاي بيش از 1500 نفر جمعيت و بخش پنج نفر خواهد بود.

وظايف شوراي اسلامي روستا

ماده 68 - وظايف و اختيارات شوراي اسلامي روستا عبارت است از:
الف - نظارت بر حسن اجراي تصميم‌هاي شوراي اسلامي روستا.
ب - بررسي و شناخت كمبودها، نيازها و نارسايي‌هاي موجود در روستا و تهيه طرح‌ها و پيشنهادهاي اصلاحي و عملي در اين زمينه‌ها و ارائه آن‌به مقامات مسئول ذيربط.
ج - جلب مشاركت و خوديارى مردم و همكاري با مسئولين اجرايي وزارتخانه‌ها و سازمان‌هايي كه در ارتباط با روستا فعاليت مي‌كنند و ايجادتسهيلات لازم جهت پيشبرد امور آن‌ها.

د - تبيين و توجيه سياست‌هاي دولت و تشويق و ترغيب روستاييان جهت اجراي سياست‌هاي مذكور.

ه - نظارت و پي‌گيري اجراي طرح‌ها و پروژه‌هاي عمراني اختصاص يافته به روستا.

و - همكاري با مسئولان ذيربط براي احداث، اداره، نگهداري و بهره‌برداري از تأسيسات عمومي، اقتصادي، اجتماعي و رفاهي مورد نياز روستا درحدود امكانات.
ز - كمك‌رساني و امداد در مواقع بحراني و اضطراري مانند جنگ و وقوع حوادث غير مترقبه و نيز كمك به مستمندان و خانواده‌هاي بي‌سرپرست‌با استفاده از خوديارى‌هاي محلي.
ح - تلاش براي رفع اختلافات افراد و محلات و حكميت ميان آن‌ها.
ط - ايجاد زمينه مناسب جهت اجراي مقررات بهداشتي و حفظ نظافت و تأمين بهداشت محيط.
ي - همكاري با نيروهاي انتظامي جهت برقراري امنيت و نظم عمومي.
ك - ايجاد زمينه مناسب و جلب مشاركت عمومي در جهت اجراي فعاليت‌هاي توليدي وزارتخانه‌ها و سازمان‌هاي دولتي.
ل - جلب مشاركت و همكاري عمومي در انجام امور فرهنگي و ديني.
م - انتخاب فردي ذيصلاح به سمت دهيار براي مدت چهار سال بر اساس آيين‌نامه مربوط و معرفي به بخشدار جهت صدور حكم.
تبصره - عزل دهيار با رأي اكثريت اعضاي شوراي اسلامي روستا بر اساس آيين‌نامه مربوط انجام مي‌شود و به بخشدار جهت صدور حكم عزل‌اعلام مي‌گردد.

تعداد اعضاي شوراي اسلامي بخش

ماده 5 - در هر بخش شوراي بخش با اكثريت نسبي از بين نمايندگان منتخب شوراهاي روستاهاي واقع در محدوده بخش تشكيل مي‌شود و درصورتي كه عضو معرفي شده از شوراي روستا به عضويت اصلي و علي‌البدل شوراي بخش انتخاب شود از عضويت شوراي روستا خارج نخواهد شد.

ماده 6 - شوراي بخش پس از تشكيل حداقل سه چهارم شوراهاي روستاهاي تابع بخش تشكيل مي‌گردد.

تبصره - از يك روستا بيش از يك نفر نبايد در شوراي بخش حضور داشته باشد و در صورتي كه تعداد روستاهاي بخشي كمتر از پنج روستا باشداعضاي شوراي بخش از ميان مجموع اعضاي شوراهاي روستاها انتخاب خواهند شد و نهايت حداقل بايد از هر روستا يك نفر انتخاب گردد.

وظايف شوراي اسلامي بخش

ماده 70 - وظايف و اختيارات شوراي اسلامي بخش به شرح زير است:

الف - بررسي و آگاهي از مشكلات و كمبودهاي اجتماعي، فرهنگي، آموزشي، اقتصادي، عمراني، بهداشتي و ساير امور رفاهي بخش و ارائه‌طرحها و پيشنهادهاي اصلاحي به مسئولين اجرايي منطقه.
ب - همكاري با مسئولين اجرايي به منظور پيشبرد كارها و برنامه‌هاي عمراني منطقه از قبيل ايجاد و مرمت راه‌هاي اصلي و فرعي بخش،برق‌رساني، لوله‌كشي آب آشاميدني، كانال‌كشي آب زراعي، قنوات، لايروبي نهرها، تعمير مساجد، زيارتگاه‌ها، حسينيه‌ها و تكايا و امور مربوط به حفظو عمران مزارع، باغ‌ها، مراتع و جنگلها با هماهنگي مسئولين ذيربط منطقه و سازمان‌هاي مملكتي.
ج - همكاري با مسئولين اجرايي كشور و منطقه و شوراهاي اسلامي روستايي جهت انجام خدمات عمومي، انتخابات سراسري و محلي،سرشماري‌هاي جمعيتي، زراعي، دامي، صنعتي و مانند اين‌ها.
د - همكاري با مسئولين امر براي تهيه و تنظيم شناسنامه بخش از طريق جمع‌آوري اطلاعات و آمار لازم بر اساس مشخصات اقتصادي، اجتماعي،فرهنگي و منابع طبيعي منطقه.

ه - ايجاد هماهنگي لازم بين شوراهاي اسلامي روستايي واقع در بخش.
و - نظارت بر طرح‌هاي عمراني منطقه و حفظ و نگهداري و بهره‌برداري از تأسيسات و تجهيزات عمومي و عمراني، مزارع و مراتع و جنگل‌هاي‌خارج از حيطه روستاهاي موجود در بخش.
ز - نظارت بر شوراهاي روستايي به منظور رعايت وظايف قانوني.
ح - حكميت در اختلافات ميان دو يا چند روستا يا شوراهاي اسلامي روستايي واقع در بخش با يكديگر در مواردي كه قابل پيگيري قضايي‌نيست.
ط - پي‌گيري موارد تجاوز به حقوق عمومي در مواردي كه شاكي ندارد از طريق مقامات ذيصلاح.
ي - رسيدگي به امور عمومي بخش يا اموري كه خارج از حيطه اختيارات و وظايف شوراهاي اسلامي روستا است.
ك - رسيدگي و پيش‌گيري مشكلات اهالي مزارع مستقل و آبادي‌هاي زير بيست خانوار كه فاقد شوراي اسلامي روستا مي‌باشند.
ل - جلب خودياري اهالي روستاها جهت تأمين هزينه‌هاي مربوط به شوراها و اداره دهياري‌ها.
م - همكاري با نيروهاي انتظامي جهت برقراري امنيت و نظم عمومي.

تعداد اعضاي شوراي شهر

ماده 7 - تعداد اعضاي اصلي و علي‌البدل شوراي شهر به شرح زير مي‌باشد:

الف - شهرهاي تا بيست هزار نفر جمعيت، پنج نفر عضو اصلي و دو نفر عضوعلي‌البدل.

ب - شهرهاي از بيست هزار نفر تا پنجاه هزار نفر جمعيت، هفت نفر عضو اصلي وسه نفر عضو علي‌البدل.

ج - شهرهاي از پنجاه هزار نفر تا يكصد هزار نفر جمعيت، نه نفر عضو اصلي و چهارنفر عضو علي‌البدل.

د - شهرهاي از يكصد هزار نفر تا دويست هزار نفر جمعيت، يازده نفر عضو اصلي وپنج نفر عضو علي‌البدل.

هـ - شهرهاي از دويست هزار نفر تا پانصد هزار نفر جمعيت، سيزده نفر عضو اصلي و شش نفر عضو علي‌البدل.

و - شهرهاي از پانصد هزار نفر تا يك ميليون نفر جمعيت، پانزده نفر عضو اصلي وهفت نفر عضو علي‌البدل.

ز - شهرهاي بيشتر از يك ميليون نفر تا دو ميليون نفر جمعيت، بيست و يك نفر عضو اصلي و هشت نفر عضو علي‌البدل.

ح - شهرهاي بيش از دو ميليون نفر جمعيت، بيست و پنج نفر عضو اصلي و ده نفرعضو علي‌البدل.

ط - شهر تهران سي و يك نفر عضو اصلي و دوازده نفر عضو علي‌البدل.

تبصره - ملاك تشخيص جمعيت هر شهر و روستا، آخرين سرشماري عمومي‌نفوس و مسكن با اعلام رسمي مركز آمار ايران خواهد بود.

وظايف شوراي اسلامي شهر

ماده 71 - وظايف شوراي اسلامي شهر به شرح زير است:

1 - انتخاب شهردار براي مدت چهار سال.
تبصره 1 - شوراي اسلامي شهر موظف است بلافاصله پس از رسميت يافتن نسبت به انتخاب شهردار واجد شرايط اقدام نمايد.
تبصره 2 - شهردار نمي‌تواند همزمان عضو شوراي شهر باشد.
تبصره 3 - نصب شهرداران در شهرها با جمعيت بيشتر از دويست هزار نفر و مراكز استان بنا به پيشنهاد شوراي شهر و حكم وزير كشور و در سايرشهرها به پيشنهاد شوراي شهر و حكم استاندار صورت مي‌گيرد.
تبصره 4 - دوره خدمت شهردار در موارد زير خاتمه مي‌پذيرد:
الف - استعفاي كتبي با تصويب شورا.
ب - بركناري توسط شوراي شهر با رعايت مقررات قانوني.
ج - تعليق طبق مقررات قانوني.
د - فقدان هر يك از شرايط احراز سمت شهردار به تشخيص شوراي شهر

2 - بررسي و شناخت كمبودها، نيازها و نارساييهاي اجتماعي، فرهنگي، آموزشي، بهداشتي، اقتصادي و رفاهي حوزه انتخابيه و تهيه طرح‌ها وپيشنهادهاي اصلاحي و راه‌حل‌هاي كاربردي در اين زمينه‌ها جهت برنامه‌ريزي و ارائه آن به مقامات مسئول ذيربط.
3 - نظارت بر حسن اجراي مصوبات شورا و طرح‌هاي مصوب در امور شهرداري و ساير سازمان‌هاي خدماتي در صورتي كه اين نظارت مخل‌جريان عادي اين امور نگردد.
4 - همكاري با مسئولين اجرايي و نهادها و سازمان‌هاي مملكتي در زمينه‌هاي مختلف اجتماعي، فرهنگي، آموزشي،

اقتصادي و عمراني بنا به‌درخواست آنان.
5 - برنامه‌ريزي در خصوص مشاركت مردم در انجام خدمات اجتماعي، اقتصادي، عمراني، فرهنگي، آموزشي و ساير امور رفاهي با موافقت‌دستگاه‌هاي ذيربط.
6 - تشويق و ترغيب مردم در خصوص گسترش مراكز تفريحي، ورزشي و فرهنگي با هماهنگي دستگاه‌هاي ذيربط.

7 - اقدام در خصوص تشكيل انجمن‌ها و نهادهاي اجتماعي، امدادي، ارشادي و تأسيس تعاوني‌هاي توليد و توزيع و مصرف، نيز انجام آمارگيري،تحقيقات محلي و توزيع ارزاق عمومي با توافق دستگاه‌هاي ذيربط.
8 - نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمايه و دارايي‌هاي نقدي، جنسي و اموال منقول و غير منقول شهرداري و همچنين نظارت بر حساب درآمد وهزينه آن‌ها به گونه‌اي كه مخل جريان عادي امور شهرداري نباشد.
9 - تصويب آيين‌نامه‌هاي پيشنهادي شهرداري پس از رسيدگي به آن‌ها با رعايت دستورالعمل‌هاي وزارت كشور.
10 - تأييد صورت جامع درآمد و هزينه شهرداري كه هر شش ماه يكبار توسط شهرداري تهيه مي‌شود و انتشار آن براي اطلاع عموم و ارسال‌نسخه‌اي از آن به وزارت كشور.
11 - همكاري با شهرداري جهت تصويب طرح حدود شهر با رعايت طرح‌هاي هادي و جامع شهرسازي پس از تهيه آن توسط شهرداري با تأييدوزارت كشور و وزارت مسكن و شهرسازي.
12 - تصويب بودجه، اصلاح و متمم بودجه و تفريغ بودجه سالانه شهرداري و مؤسسات و شركت‌هاي وابسته به شهرداري با رعايت آيين‌نامه‌مالي شهرداري‌ها و همچنين تصويب بودجه شوراي شهر.
تبصره - كليه درآمدهاي شهرداري به حساب‌هايي كه با تأييد شوراي شهر در بانك‌ها افتتاح مي‌شود واريز و طبق قوانين مربوطه هزينه خواهد شد
13 - تصويب وام‌هاي پيشنهادي شهرداري پس از بررسي دقيق نسبت به مبلغ، مدت و ميزان كارمزد.
14 - تصويب معاملات و نظارت بر آن‌ها اعم از خريد، فروش، مقاطعه، اجاره و استيجاره كه بنام شهر و شهرداري صورت مي‌پذيرد با در نظرگرفتن صرفه و صلاح و با رعايت مقررات آيين‌نامه مالي و معاملات شهرداري.
تبصره - به منظور تسريع در پيشرفت امور شهرداري، شورا مي‌تواند اختيار تصويب و انجام معاملات را تا ميزان معيني با رعايت آيين‌نامه معاملات‌شهرداري به شهردار واگذار نمايد.
15 - تصويب اساسنامه مؤسسات و شركت‌هاي وابسته به شهرداري با تأييد و موافقت وزارت كشور.
16 - تصويب لوايح برقراري يا لغو عوارض شهر و همچنين تغيير نوع و ميزان آن با در نظر گرفتن سياست عمومي دولت كه از سوي وزارت كشوراعلام مي‌شود.
17 - نظارت بر حسن جريان دعاوي مربوط به شهرداري.
18 - نظارت بر امور بهداشت حوزه شهر.
19 - نظارت بر امور تماشاخانه‌ها، سينماها و ديگر اماكن عمومي، كه توسط بخش خصوصي، تعاوني و يا دولتي اداره مي‌شود با وضع و تدوين‌مقررات خاص براي حسن ترتيب، نظافت و بهداشت اين قبيل مؤسسات بر طبق پيشنهاد شهرداري و اتخاذ تدابير احتياطي جهت جلوگيري از خطرآتش‌سوزي و مانند آن.

20 - تصويب مقررات لازم جهت اراضي غير محصور شهري از نظر بهداشت و آسايش عمومي و عمران و زيبايي شهر.

21 - نظارت بر ايجاد گورستان، غسالخانه و تهيه وسايل حمل اموات مطابق با اصول بهداشت و توسعه شهر.

22 - وضع مقررات و نظارت بر حفر مجاري و مسيرهاي تأسيسات شهري.

23 - نظارت بر اجراي طرح‌هاي مربوط به ايجاد و توسعه معابر، خيابان‌ها، ميادين و فضاهاي سبز و تأسيسات عمومي شهر بر طبق مقررات‌موضوعه.
24 - تصويب نامگذاري معابر، ميادين، خيابان‌ها، كوچه و كوي در حوزه شهري و همچنين تغيير نام آنها.
25 - تصويب مقررات لازم به پيشنهاد شهرداري جهت نوشتن هر نوع مطلب و يا الصاق هر نوع نوشته و آگهي و تابلو بر روي ديوارهاي شهر بارعايت مقررات موضوعه و انتشار آن براي اطلاع عموم.
26 - تصويب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداري و سازمان‌هاي وابسته به آن با رعايت آيين‌نامه مالي و معاملات شهرداري‌ها.
27 - تصويب نرخ كرايه وسايل نقليه درون شهري.

28 - وضع مقررات مربوط به ايجاد و اداره ميدان‌هاي عمومي توسط شهرداري براي خريد و فروش مايحتاج عمومي با رعايت مقررات موضوعه.
29 - وضع مقررات لازم در مورد تشريك مساعي شهرداري با ادارات و بنگاه‌هاي ذيربط براي داير كردن نمايشگاه‌هاي كشاورزي، هنري، بازرگانيو غيره.
تبصره 1 - در كليه قوانين و مقرراتي كه انجمن شهر عهده‌دار وظايفي بوده است، شوراي اسلامي شهر با رعايت مقررات اين قانون بعد از يك سال‌از تاريخ تصويب جانشين انجمن شهر خواهد بود.
تبصره 2 - وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتي و وابسته به دولت و سازمان‌هايي كه شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذكر نام است موظف‌اند در طول‌مدت يك سال مذكور در تبصره فوق با بررسي قوانين و مقررات مربوط به خود هر كجا نامي از انجمن شهر سابق آمده و وظايفي را به آن محول نموده‌است جهت اصلاح اين گونه موارد لايحه اصلاحي به مجلس شوراي اسلامي ارائه نمايند.

تعداد اعضاي شوراي استان

ماده 39 قانون تشكيلات شوراهاي اسلامي كشوري

شوراي استان حداكثر دو هفته پس از پايان انتخابات شوراهاي اسلامي شهرستان تشكيل مي‌گردد و هر شهرستان يك نماينده در آنخواهد داشت.
تبصره - حداقل تعداد نمايندگان شوراي استان سه نفر مي‌باشد. در استانهايي كه به علت كمي تعداد شهرستانهاي تابعه حد نصاب مقرر حاصل‌نگردد، كسري اعضاي شوراي استان از بين اعضاي شوراي شهرستان مركز استان تأمين مي‌گردد.

وظايف و اختيارات شوراي اسلامي استان

ماده 40 قانون تشكيلات شوراهاي اسلامي كشوري
1 - شوراي استان موظف است طرحها و پيشنهادهاي وارده از شوراي هر شهرستان را بررسي و مورد تبادل نظر قرار داده اولويتها را تعيين و به‌مقامات مسئول ارجاع نمايد.
2 - رسيدگي و اظهار نظر درباره برنامه عمراني و نيازمنديهاي شهرستانهاي تابعه استان و ارسال آن به مسئولان مربوطه.
3 - عضويت در كميته برنامه‌ريزي استان با داشتن حق يك رأي.
4 - شوراي استان در اجراي بودجه استان نظارت دارد. مقاطعه‌كاران و مجريان پروژه‌ها و طرحهاي عمراني بايد مورد تأييد شوراي استان باشد.
5 - اعضاي شوراي استان رابط بين شوراي خود و شوراي مادون مي‌باشند

تعداد اعضاي شوراي عالي استان‌ها

قانون تشكيلات شوراهاي اسلامي كشوري

ماده 41 - شوراي عالي اسلامي استانها از نمايندگان منتخب شوراهاي اسلامي استان تشكيل مي‌گردد و هر شوراي اسلامي استان يك نماينده درآن خواهد داشت.
ماده 42 - شوراي عالي اسلامي استانها حداكثر دو هفته پس از پايان يافتن انتخابات استانها تشكيل مي‌شود.
ماده 43 - اولين جلسه شوراي عالي اسلامي استانها به دعوت وزير كشور و به رياست مسن‌ترين اعضاي حاضر در جلسه تشكيل مي‌گردد و يك‌نفر رئيس و يك نفر نايب رئيس و دو منشي با رأي مخفي انتخاب مي‌شوند.
ماده 44 - "شوراي عالي اسلامي استانها" مكلف است ظرف مدت سه ماه از تاريخ تشكيل، آيين‌نامه‌هاي داخلي شوراها را تهيه و پس از تصويب‌جهت اجرا به كليه شوراها ابلاغ نمايد.

وظايف و اختيارات شوراي عالي استان‌ها

ماده 45 - شوراي عالي اسلامي استانها موظف است طرحها و پيشنهادهاي واصله از طرف شوراها را بررسي و مورد تبادل نظر قرار داده، اولويتها راتعيين و به مقامات اجرايي ارجاع نمايد.
ماده 46 - شوراي عالي اسلامي استانها موظف است نارساييها و اشكالات نهادها و سازمانهاي اجرايي را به مسئولان مربوطه ابلاغ نمايد.
ماده 47 - شوراي عالي اسلامي استانها موظف است طرحهاي توليدي، صنعتي، كشاورزي، آموزشي، اداري، خدماتي و نظاير آنها را كه از سوي‌شوراهاي استان‌ها در جهت جلوگيري از تبعيض و جلب همكاري و ايجاد هماهنگي ميان استان‌ها رسيده، مورد بررسي قرار دهد و در صورت تأييد به‌عنوان طرح قانوني به مجلس شوراي اسلامي تقديم نمايد.
ماده 48 - شوراي عالي اسلامي استانها در تنظيم برنامه و بودجه عمراني استانها مشاركت دارد.
ماده 49 - شوراي عالي اسلامي استانها مي‌تواند در جهت جلوگيري از تبعيض و جلب همكاري و ايجاد هماهنگي ميان استانها پيشنهاد تغيير طرحيا جابجايي بودجه عمراني استانها را در چارچوب مقررات مربوطه بنمايد.
ماده 50 - شوراي عالي اسلامي استانها در اجراي برنامه و بودجه عمراني نظارت داشته و دستگاههاي مربوطه موظفند گزارش ماهيانه و ساليانه وهزينه پيشرفت كار عمراني خود را به اطلاع شوراي عالي برسانند.
ماده 51 - شوراي عالي اسلامي استانها حق دارد در حدود وظايف قانوني، طرحهايي تنظيم نموده و تقديم مجلس شوراي اسلامي نمايد و نماينده‌شوراي عالي اسلامي استانها حق حضور در مجلس و دفاع از طرح را دارد.

سازمان‌هاي غير متمركز فني يا اداري

سازمان‌هاي غير متمركز فني يا اداري كه در جهت تمركز زدايي اداري و تسهيل اجرايي كشور تشكيل مي‌شوند، عمدتا به 3 دسته تقسيم مي‌شوند.

شركت‌هاي دولتي

موسسات عمومي

نظام‌هاي حرفه‌اي

1. شركت‌هاي دولتي

ماده 4 قانون محاسبات عمومي

شركت دولتي واحد سازماني مشخصي است كه با اجازه قانون، بصورت شركت ايجاد مي‌شود و يا به حكم قانون و يا دادگاه صالح، ملي شده و يا مصادره شده و بيش از 50 درصد سرمايه آن متعلق به دولت باشد.

هر شركت تجاري كه از طريق سرمايه‌گذاري شركت‌هاي دولتي ايجاد شود مادام كه بيش از 50 در صد آن متعلق به شركت‌هاي دولتي باشد، شركت دولتي است.

اركان شركت‌هاي دولتي

1. هيات مديره

2. مدير عامل

3. مجمع عمومي

4. بازرس

نحوه نظارت بر شركت‌هاي دولتي

1. نظارت پارلماني

قوه‌ي مقننه، به شكل‌هاي زير مي‌تواند نسبت به شركت‌هاي دولتي اعمال نظارت نمايد:

تصويب يا عدم تصويب اساسنامه‌ي شركت در بررسي‌هاي مجلس

رسيدگي به حساب‌هاي دولتي از سوي ديوان محاسبات كشور و ارائه‌ي گزارش به مجلس (اصل 54 ق.اساسي)

سوال نمايندگان از وزراي مربوط (اصل 88 ق.اساسي)

تحقيق و تفحص ((اصل 76 ق.اساسي)

2. نظارت اجرايي

نظارت وزارت امور اقتصادي و دارايي

نظارت بودجه‌اي سازمان مديريت و برنامه‌ريزي

نظارت عملكردي وزرات كار و امور اجتماعي

2. موسسات عمومي

ماده 3 قانون محاسبات عمومي - مصوب 1/6/1366

واحد سازماني مشخصي است كه به موجب قانون ايجاد مي‌گردد و زير نظر يكي از قواي سه گانه اداره مي‌شود و عنوان وزارتخانه ندارد.

اقسام موسسات عمومي

موسسات عمومي را از دو جهت مي‌توان تقسيم‌بندي نمود:

دولتي يا غير دولتي بودن

انتفاعي يا غير انتفاعي بودن

موسسات دولتي و غير دولتي

برخي از موسسات عمومي به عنوان بخشي از يک وزارتخانه يا سازمان دولتي عمل مي‌کنند و از استقلال مالي و اداري چنداني برخوردار نيستند. اين‌گونه موسسات، در زمره‌ي موسسات عمومي دولتي شمرده مي‌شوند.

برخي ديگر از موسسات، به موجب قانون از آزادي عمل بيشتري برخوردارند و تحت عنوان موسسات عمومي غير دولتي فعاليت مي‌کنند.

اين گونه موسسات، بر اساس قانون فهرست نهادها و موسسات عمومي غير دولتي مصوب 19/4/1373 شناسايي گرديده‌اند. شمار موسسات اين فهرست، با تصويب 3 قانون ديگر، افزايش يافت.

(مصوب 11/3/1376 و 27/7/1376 و 24/4/1377)

فهرست نهادها و موسسات عمومي غير دولتي

1 - شهرداريها و شركتهاي تابعه آنان مادام كه بيش از 50٪ سهام و سرمايه آنان متعلق به شهرداريها باشد.
2 - بنياد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامي.
3 - هلال احمر.
4 - كميته امداد امام.
5 - بنياد شهيد انقلاب اسلامي.
6 - بنياد مسكن انقلاب اسلامي.
7 - كميته ملي المپيك ايران.
8 - بنياد 15 خرداد.
9 - سازمان تبليغات اسلامي.
10 - سازمان تأمين اجتماعي.
11 - فدراسيونهاي ورزشي آماتوري جمهوري اسلامي ايران.
12 - مؤسسه‌هاي جهاد نصر، جهاد استقلال و جهاد توسعه زير نظر جهاد سازندگي.

13 - شوراي هماهنگي تبليغات اسلامي
14 - كتابخانه حضرت آيت‌الله مرعشي نجفي (قم)

15 - بنياد امور بيماري‌هاي خاص

موسسات عمومي انتفاعي و غير انتفاعي

موسسات عمومي از حيث اهدافي که دنبال مي‌کنند، به 2 دسته مي‌توان تقسيم نمود:

موسسات عمومي انتفاعي

اين گروه از موسسات، به شيوه‌ي موسسات بازرگاني خصوصي فعاليت مي‌كنند. مانند بانک‌ها، سازمان بنادر و كشتيراني، ذوب آهن ايران

موسسات عمومي غير انتفاعي

اين گروه از موسسات، تحت عناويني چون انجمن، انستيتو، صدوق، بنياد، بنگاه، سازمان و ... فعاليت مي‌كنند. مانند انجمن توانبخشي ايران، انستيتو پاستور ايران

3. نظام‌هاي حرفه‌اي

نظام‌هاي حرفه‌اي، به منظور ايجاد نظم و انضباط بين صاحبان حرفه‌ها، تشكيل شده است. مانند: كانون وكلاي دادگستري، نظام پزشكي، كانون كارشناسان رسمي دادگستري و ...

منابع ح.ا

منظور از منابع حقوق اداري، خاستگاه اصلي و نيروهاي سازنده‌ي قواعد حقوق اداري است كه مجموعه‌اي از قواعد و مقررات حاكم بر دستگاه‌هاي اداري است كه در مقام عمل و اجرا مي‌بايست نصب العين قرار داده شود؛ نظير قانون اساسي، قوانين عادي، آيين‌نامه، تصويب‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، اصول كلي حقوقي، معاهدات بين المللي و احكام محاكم قضايي و نظاير آنها

1. قانون اساسي

قانون اساسي به مثابه‌ي عالي‌ترين قوانين كشور كه در راس قرار دارد، از مهمترين منابع حقوق اداري به شمار مي‌رود كه مي‌بايست نصب العين دستگاه‌هاي اداري قرار داده شود؛ زيرا قانون اساسي تعيين كننده‌ي چهار چوب اصلي و اهداف كلي اداره‌ي دولت و سازمان‌هاي اداري تحت نظر قوه‌ي مجريه است.

مهم‌ترين دستورهاي داده شده در قانون اساسي در اين باب به شرح زير است:

1 – ايجاد جامعه‌ي عادلانه بر اساس مقررات اسلامي (مقدمه ق.ا)

2 – احترام به حاكميت اراده‌ي مردم (اصل 6 ق.ا)

3 – رعايت تفکيک قوا (اصل 57 ق.ا)

4- انطباق تصميمات اداري با قوانين موضوعه (اصل 169 ق.ا)

5- نظارت قوهي مقننه بر قوهي مجريه (اصل 76 ق.ا)

6- نظارت بر حسن اجراي قوانين توسط قوهي قضائيه (اصل 156 ق.ا – بند 3 و اصل 170 ق.ا)

2. قوانين عادي

بعد از قانون اساسي، قوانين عادي مهمترين منبع براي حقوق اداري به شمار ميرود، مراجع و مقامات اجرايي کشور موظف به رعايت قوانين عادي مصوب در مجلس شوراي اسلامي است.

قوانين عادي، به قوانيني گفته ميشود که با تشريفات مقرر در قانون اساسي از طرف مجلس وضع شده است يا از طريق همهپرسي به طور مستقيم به تصويب ميرسد.

3. مقررات دولتي

با اينکه قانونگذار طبق اصل 71 قانون اساسي، قانونگذاري را از وظايف و صلاحيت قوهي مقننه قرار داده است، ولي در مواردي، حق قانونگذاري را به قوهي مجريه تفويض کرده است که قوهي مجريه ميتواند مقررات و آييننامههاي را وضع و به مرحلهي اجرا بگذارد با اين شرط که مقررات دولتي که در قالب آييننامه، تصويبنامه، يا بخشنامه شکل ميگيرد، مناقض نص و روح قانون نباشد.

در اين باره مادهي 138 قانون اساسي مقرر ميدارد:

علاوه بر مواردي که هيأت وزيران يا وزيري مأمور تدوين آييننامههاي اجرايي قوانين ميشود، هيأت وزيران حق دارد براي انجام وظايف اداري و تأمين اجراي قوانين و تنظيم سازمانهاي اداري به وضع تصويبنامه و آييننامه بپردازد. هر يک از وزيران نيز در حدود وظايف خويش و مصوبات هيأت وزيران حق وضع آييننامه و صدور بخشنامه را دارد ولي مفاد اين مقررات نبايد با متن و روح قوانين مخالف باشد...

دادن چنين اختياراتي به قوهي مجريه، دلايل مختلفي دارد که از جملهي آنها ميتوان به موارد زير اشاره کرد:

1 – براي اينکه قوهي مجريه ابزار لازم حقوقي را براي توسعه، و اجراي تکاليف اجتماعي، فرهنگي داشته باشد، و بتواند نيازمنديهاي عموميکشور را تامين و از بينظمي جلوگيري نمايد، نيازمند به وضع مقررات و اجراي آن به شکل قانوني است تا از اين رهگذر براي تحقق سياستها و برنامههايش ابزار لازم حقوقي و پشتوانهي قانوني را داشته باشد.

2 – قوهي مقننه به خاطر کثرت مقررات و لوايح دولتي، فرصت کافي براي وضع تمامي مقررات، آييننامهها و تصويبنامههاي دولتي را به يقين ندارد، از اين رو پارهاي از اختيارات را براي دولت در وضع مقررات، آييننامه وتصويبنامههاي دولتي براي به اجرا در آمدن و عملياتي شدن قوانين داده است.

3 – ممکن است پارهاي از مقررات، تصويب نامهها و آييننامههاي دولتي چندان اهميتي نداشته باشد، و از اين رو مجلس قانونگذاري براي تصويب مسايل و موضوعات کم اهميت اقدامي نميکند.

4 – قوه‌ي اجرايي و اداري به دليل اينكه از نزديک با مسايل مختلف اجرايي و اداري درگير مي‌باشد، و مي‌تواند از كارشناسان خبره و متعدد كمک بگيرد، از اين رو مي‌تواند تدابير و تصاميم دقيق‌تر و راهگشاتري را در وضع مقررات، آيين‌نامه در امور مختلف اداري اتخاذ كند.

5 – در قوانين عادي، بيشتر مقررات كلي و ملي وضع مي‌گردد، نيازهاي محلي نظير حمل و نقل، و نظافت امور شهري و محلي ممكن است چندان مورد توجه واقع نشود، و از اين رو قانونگذار، به مقامات محلي با حفظ اصل مركزيت به منظور تسريع و بهبود امور اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي، اجازه‌ي وضع آئين‌نامه براي اداره‌ي محدوده‌ي جغرافيايي خود را داده است. (ماده 12 قانون شوراهاي محلي - مصوب 1358)

1.3. انواع مقررات دولتي

مراد از مقررات دولتي، مجموع قواعدي است كه به حكم صريح يا ضمني قانونگذار و يا به اعتبار اختيار ناشي از مسووليت اداري توسط مقامات صلاحيت‌دار (به غير قوه مقننه) وضع مي‌شود.

با اين توصيف انواع مقررات دولتي عبارتند از:

آيين‌نامه‌ها

تصويب‌نامه‌ها

ساير مقررات دولتي همچون بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها، مصوبه‌ها، ابلاغيه‌ها و ...

1.1.3. آيين‌نامه‌ها

آيين‌نامه، مقرراتي است كه مقامات صلاحيت‌دار مانند وزير يا شهردار و غير وضع و در معرض اجرا مي‌گذارند؛ خواه هدف آن تسهيل اجرا و تشريح قانوني از قوانين موضوعه باشد، خواه در مواردي باشد كه اساسا قانوني وضع نشده است.

در همين مورد لفظ نظام‌نامه هم استفاده شده است.

2.1.3. تصويب‌نامه

در حقوق اداري تصويب‌نامه بر خلاف مفهوم عرفي آن (كليه‌ي مقررات مصوب توسط هيات وزيران) داراي مفهوم خاصي است:

مقرراتي است كه مراجع و مقامات دولتي در حدود صلاحيت در امور معين و مشخص كه به دلايل گوناگون معمولا مورد نظر قانونگذار نيست، وضع مي‌نمايند. مجوز حقوقي دولت در وضع تصويب‌نامه، اختيار ناشي از مسووليت است.

3.1.3. بخشنامه

تعليمات كلي و يكنواخت (به صورت كتبي) كه از طرف مقام اداري به مرئوسين براي ارشاد به مدلول و طرز تطبيق قانون يا آيين‌نامه داده مي‌شود و نبايد مخالف قانون يا آيين‌نامه باشد.

4.1.3. دستورالعمل

تعيين ضوابط و روش‌هاي دقيق اجرايي براي واحدها و كارمندان اداري در امور كه مستلزم در اختيار داشتن اطلاعات فني و عملي است، توسط دستورالعمل‌هاي اجرايي صورت مي‌گيرد.

مرجع وضع دستورالعمل‌ها، شوراها و كميسيون‌ها هستند.

5.1.3. مصوبه

مصوبه در مفهوم عام كلمه، به كليه‌ي قوانين، آيين‌نامه‌ها، تصويب‌نامه‌ها (به جز تصميمات قضايي) گفته مي‌شود.

اما در معناي خاص كلمه، به تصميمات شوراها، هيات‌ها و كميسيون‌ها گفته مي‌شود.

6.1.3. ابلاغيه (ابلاغ وزارتي)

هدايت ادارات و ماموران وزارتخانه‌ها مربوط به اختيارات و تكاليف وزير است؛ اگر اين تكليف يا اختيار مربوط به مورد خاص باشد، دستور وزير را ابلاغ وزارتي، مي‌نامند و اگر به طور كلي باشد، يعني ناظر به خصوص مورد نباشد، آن را بخشنامه وزارتي مي‌نامند.

4. ساير منابع ح.ا

ساير منابع ح.ا عبارتند از:

عرف و منابع معتبر اسلامي (اصل 167 قانون اساسي)

اصول كلي حقوقي

معاهدات بين‌المللي (ماده 9 قانون مدني)

احكام دادگاه‌هاي دادگستري (ماده 9 قانون آئين دادرسي مدني)

---

[1]. **اعمال حاكميت دولت**

امور حاكميتي دولت كه تحقق آن موجب اقتدار حاكميت كشور است و منافع آن بدون محدوديت شامل همه اقشار جامعه مي‌گردد، عبارتند از:

1) سياستگذاري، برنامه‌ريزي و نظارت در بخش‌هاي اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي.

2) برقراري عدالت و تأمين اجتماعي و باز توزيع درآمد.

3) ايجاد فضاي سالم، براي رقابت و جلوگيري از انحصار و تضييع حقوق مردم.

4) فراهم نمودن زمينه‌ها و مزيت‌هاي لازم، براي رشد و توسعه كشور و رفع فقر و بي‌كاري.

5) قانون‌گذاري، امور ثبتي، استقرار نظم و امنيت و اداره امور قضايي.

6) حفظ تماميت ارضي كشور و ايجاد آمادگي دفاع ملي.

7) صيانت از هويت ايراني ـ اسلامي.

8) اداره امور داخلي، ماليه عمومي، تنظيم روابط كار و روابط خارجي.

9) حفظ محيط‌زيست و حفاظت از منابع طبيعي و ميراث فرهنگي.

10) علوم و تحقيقات بنيادي، آمار و اطلاعات ملي.

11) پيشگيري از بيماري‌هاي واگير، مقابله و كاهش اثرات حوادث طبيعي و بحران‌هاي پيچيده.

(بند الف قانون برنامه چهارم توسعه مصوب 1383/6/11)

[2]- اعمال تصدي دولت

اعمال تصدي اعمالي است كه دولت از نقطه‌نظر حقوقي مشابه اعمال افراد انجام مي‌دهد مانند خريد و فروش املاك و غلات و اجاره و استيجار و امثال آن.